



درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت

ابوالفضل گائینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۰

گائینی، ابوالفضل، ۱۳۴۴-
درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت / ابوالفضل گائینی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
چهارده، ۱۹۳ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۹۵: مدیریت؛ ۶)
بها: ۲۹۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۱۸۵] - ۱۸۹.
نمایه.
۱. مدیریت (اسلام). ۲. علم مدیریت. ۳. شناخت (جامعه‌شناسی). ۴. شناخت (فلسفه). الف. حسین‌زاده، امیر،
۱۳۵۹ - طراح آموزشی. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۱۳۹۰ ۴ د ۲ گ / ۶۷ / ۲۳۲ BP ۶۵۸ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی
۲۶۵۷۸۳۸



درسنامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت

مؤلف: ابوالفضل گائینی

طراح آموزشی: امیر حسین‌زاده

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۹۵؛ مدیریت: ۶)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۰

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰ - ۰۲۱

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب تلاش می‌کند تا با نگاهی فلسفی و از دریچه معرفت‌شناسی به تئوری سازمان و مدیریت به ساختارهای نظری این دانش بپردازد و با نگاه معرفت‌شناسی اسلامی امکان تدوین و تحقیق مدیریت اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم آقای ابوالفضل گائینی و ناظران طرح جناب آقای دکتر حسن عابدی جعفری و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علیرضا اعرافی تشکر و سپاسگزاری نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث‌گران قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای

جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه استاد عابدی جعفری
۷	فصل اول: کلیات
۷	مقدمه
۸	مبحث اول: مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی
۸	مقدمه
۹	۱. چرایی نگارش این کتاب
۱۲	۲. بحث اصلی این کتاب
۱۳	۳. مفاهیم کلیدی
۱۳	۳-۱. پیش‌فرض
۱۴	۳-۲. معرفت‌شناسی یا تئوری معرفت
۱۶	خلاصه مبحث
۱۶	پرسش‌ها
۱۷	بحث و پژوهش
۱۷	منابع برای بحث و پژوهش
۱۸	مبحث دوم: نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی
۱۸	مقدمه
۱۸	۱. انسجام‌گرایی معرفتی
۱۹	۲. میناگرایی معرفتی
۲۱	خلاصه مبحث
۲۲	پرسش‌ها
۲۳	بحث و پژوهش

۲۳	منابع برای بحث و پژوهش
۲۴	مبحث سوم: نظریه‌های صدق
۲۴	مقدمه
۲۶	۱. نظریه مطابقت
۲۷	۲. نظریه انسجام
۲۸	۳. نظریه عمل‌گرایی
۳۱	خلاصه مبحث
۳۲	پرسش‌ها
۳۲	بحث و پژوهش
۳۲	منابع برای بحث و پژوهش
۳۳	مبحث چهارم: مدیریت اسلامی
۳۳	مقدمه
۳۳	۱. مدیریت
۳۵	۲. مدیریت اسلامی
۳۹	خلاصه مبحث
۴۰	پرسش‌ها
۴۰	بحث و پژوهش
۴۰	منابع برای بحث و پژوهش
۴۱	فصل دوم: معرفت‌شناسی اثبات‌گرا
۴۱	مقدمه
۴۲	مبحث اول: معرفی اثبات‌گرایی
۴۲	مقدمه
۴۲	۱. چیستی علم
۴۳	۲. پیشینه‌شناسی رویکرد تجربه‌گرایی (اثبات‌گرایی)
۴۴	۳. ویژگی‌های رویکرد اثبات‌گرایی
۴۵	۴. علوم طبیعی و ویژگی‌های آن
۴۵	ویژگی‌های علوم طبیعی
۴۷	چالش‌های معرفت‌شناسی اثبات‌گرا
۴۸	خلاصه مبحث
۴۹	پرسش‌ها
۵۰	بحث و پژوهش
۵۰	منابع برای بحث و پژوهش
۵۱	مبحث دوم: معرفت‌شناسی اثبات‌گرا و علوم انسانی

.....	مقدمه	۵۱
.....	۱. چیستی علوم انسانی	۵۱
.....	۲. تفاوت و تشابه روش علوم طبیعی و انسانی	۵۲
.....	۳. اثبات‌گرایی منطقی و ویژگی‌های آن	۵۳
.....	خلاصه مبحث	۵۵
.....	پرسش‌ها	۵۶
.....	بحث و پژوهش	۵۶
.....	منابع برای بحث و پژوهش	۵۶
.....	مبحث سوم: تاریخچه و رویکردهای علم مدیریت	۵۷
.....	مقدمه	۵۷
.....	۱. تاریخچه علم مدیریت	۵۷
.....	۲. مدیریت علمی	۵۸
.....	۳. دیدگاه‌های نئوکلاسیک در مدیریت	۶۰
.....	۴. تئوری منابع انسانی در مدیریت	۶۰
.....	۵. تئوری سیستمی در مدیریت	۶۱
.....	۶. تئوری اقتضا	۶۲
.....	۷. اثبات‌گرایی و علم مدیریت	۶۳
.....	خلاصه مبحث	۶۴
.....	پرسش‌ها	۶۶
.....	بحث و پژوهش	۶۶
.....	منابع برای بحث و پژوهش	۶۶
.....	مبحث چهارم: نقد رویکرد معرفت‌شناسی اثبات‌گرا	۶۷
.....	مقدمه	۶۷
.....	۱. نقدهای مطرح‌شده بر رویکرد اثبات‌گرایی	۶۸
.....	الف) واقعیت‌های اجتماعی را نمی‌شود از نظریه‌ها جدا ساخت	۶۸
.....	ب) پژوهشگران نمی‌توانند به‌طور کامل از موضوع مورد پژوهش مستقل باشند	۶۸
.....	ج) افراد مورد پژوهش به‌طور کامل جدای از نظریه‌هایی که رفتار آنها را تبیین می‌کنند، نیستند	۶۸
.....	د) در پژوهش‌های اجتماعی نمی‌توان ارزش‌ها را از فرایند پژوهش حذف کرد	۶۹
.....	ه) کارکرد تبیین نظری بسی بیشتر از پیش‌بینی صرف پدیده‌هاست	۶۹
.....	۲. برداشت‌های متفاوت از واقعیت‌گرایی	۷۰
.....	۳. نظریه عقلانیت انتقادی پوپر	۷۱
.....	۴. دیدگاه مخالفان پوپر	۷۲
.....	خلاصه مبحث	۷۳
.....	پرسش‌ها	۷۴

۷۴	بحث و پژوهش
۷۴	منابع برای بحث و پژوهش
۷۵	فصل سوم: معرفت‌شناسی ضد اثبات‌گرایی در علوم انسانی
۷۵	مقدمه
۷۶	مبحث اول: رویکرد تفسیری
۷۶	مقدمه
۷۶	۱. رویکردهای معرفت‌شناسی معناگرا
۷۷	۲. تاریخچه رویکرد تفسیری در مطالعات علوم اجتماعی
۸۱	۳. رویکرد تفسیری در مطالعات سازمان و مدیریت
۸۵	خلاصه مبحث
۸۷	پرسش‌ها
۸۸	بحث و پژوهش
۸۸	منابع برای بحث و پژوهش
۸۹	مبحث دوم: رویکرد هرمنوتیک در مطالعات علوم اجتماعی
۸۹	مقدمه
۸۹	۱. مقایسه دو رویکرد هرمنوتیک و تفسیری
۹۱	۲. تاریخچه هرمنوتیک
۹۱	۱. هرمنوتیک کلاسیک
۹۳	۲. هرمنوتیک فلسفی
۹۴	۳. هرمنوتیک انتقادی
۹۶	۳. مفاهیم و مباحث اساسی در هرمنوتیک
۹۶	الف) چرخه هرمنوتیکی
۹۷	ب) تاریخی بودن فهم و افق هرمنوتیکی
۹۸	ج) فهمیدن به عنوان دیالوگ و هم‌آمیزی افق‌ها
۹۹	۴. تفاوت رویکردهای معرفت‌شناسی میان علوم طبیعی و علوم انسانی
۹۹	الف) پارادایم اثبات‌گرایی
۱۰۰	ب) پارادایم تفسیری
۱۰۰	ج) پارادایم انتقادی
۱۰۰	خلاصه مبحث
۱۰۲	پرسش‌ها
۱۰۲	بحث و پژوهش
۱۰۲	منابع برای بحث و پژوهش
۱۰۳	مبحث سوم: رویکرد هرمنوتیک در مطالعات سازمانی و مدیریت

۱۰۳	مقدمه
۱۰۳	۱. رویکردهای هرمنوتیک در سازمان
۱۰۵	۲. اشکال‌های واردشده بر رویکرد هرمنوتیک
۱۰۵	۳. عصر روایتگری
۱۰۷	۴. فرهنگ سازمانی، نهادگرایی و زیبایی‌شناختی
۱۰۸	۵. کاربرد روش‌های معناکاوانه در فهم فرهنگ سازمان اسلامی
۱۱۲	خلاصه مبحث
۱۱۴	پرسش‌ها
۱۱۴	بحث و پژوهش
۱۱۴	منابع برای بحث و پژوهش
۱۱۵	فصل چهارم: معرفت‌شناسی‌های ساختارشکن در نظریه‌های علوم انسانی
۱۱۵	مقدمه
۱۱۶	۱. دیدگاه میشل فوکو
۱۱۷	الف) تاریخ، دانش و قدرت
۱۱۸	ب) محدوده‌های معنا
۱۱۸	۲. تأثیر دیدگاه فوکو بر دانش مدیریت
۱۱۹	۳. دریدا و پست‌مدرنیسم
۱۲۱	خلاصه فصل
۱۲۲	پرسش‌ها
۱۲۲	بحث و پژوهش
۱۲۲	منابع برای بحث و پژوهش
۱۲۳	فصل پنجم: فرهنگ و مدیریت
۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	مبحث اول: مدیریت فرهنگی یا فرافرهنگی
۱۲۴	مقدمه
۱۲۴	۱. تعریف فرهنگ
۱۲۶	۲. فرهنگی یا فرافرهنگی بودن مدیریت
۱۲۸	۳. رویکردهای تأثیرگذار فرهنگ بر قلمرو مدیریت
۱۲۸	۴. تأثیرهای فرهنگی در مسائل عام حوزه دانش
۱۲۸	۱. تأثیر فرهنگ‌ها در انتخاب واقعیت‌های داده‌های تجربی
۱۲۹	۲. تأثیر فرهنگ بر ماهیت واقعیت و حقیقت
۱۲۹	۳. تأثیر فرهنگ بر تعریف از ماهیت انسان

۱۳۰	۴. تأثیر فرهنگ در نگرش به طبیعت
۱۳۰	۵. تأثیر فرهنگ بر تعریف از مدیریت
۱۳۱	خلاصه مبحث
۱۳۲	پرسش‌ها
۱۳۳	بحث و پژوهش
۱۳۳	منابع برای بحث و پژوهش
۱۳۴	مبحث دوم: فرهنگ اسلامی و مدیریت
۱۳۴	مقدمه
۱۳۴	۱. تأثیر فرهنگ اسلامی بر مدیریت
۱۳۶	۲. منابع غیر معرفتی مؤثر بر پژوهش‌های مدیریتی
۱۳۷	۱-۲. جامعه دانشگاهی
۱۳۸	۲-۲. جهت‌گیری زبان کاربردی
۱۳۸	۳-۲. جهت‌گیری انتشاراتی
۱۳۹	خلاصه فصل
۱۴۰	پرسش‌ها
۱۴۰	بحث و پژوهش
۱۴۰	منابع برای بحث و پژوهش
۱۴۱	فصل ششم: معرفت‌شناسی دینی
۱۴۱	مقدمه
۱۴۲	مبحث اول: معرفت‌شناسی از دیدگاه حکمای اسلامی
۱۴۲	مقدمه
۱۴۳	۱. معرفت‌شناسی و ارکان آن
۱۴۳	الف) چستی معرفت
۱۴۳	ب) هستی معرفت
۱۴۴	۲. معقولات اولی و ثانیه
۱۴۵	۳. ابزارهای معرفت
۱۴۷	۴. معیارهای صدق در معرفت
۱۴۷	۱-۴. معیار صدق معرفت حسی و عقلی
۱۴۸	۲-۴. معیار صحت معرفت قلبی
۱۴۹	خلاصه مبحث
۱۵۰	پرسش‌ها
۱۵۱	بحث و پژوهش
۱۵۱	منابع برای بحث و پژوهش

۱۵۲	مبحث دوم: معرفت‌شناسی در قرآن مجید
۱۵۲	مقدمه
۱۵۳	۱. امکان شناخت واقع
۱۵۴	۲. راه‌های معرفت در قرآن کریم
۱۵۵	۳. شرایط و موانع معرفت
۱۵۶	الف) تقوا، تهجد و دعا؛ اسباب کسب معرفت
۱۵۸	ب) گناه؛ مانع درک حقایق
۱۵۸	خلاصه مبحث
۱۵۹	پرسش‌ها
۱۵۹	بحث و پژوهش
۱۵۹	منابع برای بحث و پژوهش
۱۶۱	فصل هفتم: معرفت‌شناسی دینی و دانش مدیریت اسلامی
۱۶۱	مقدمه
۱۶۳	مبحث اول: ماهیت مدیریت از منظر معرفت‌شناسی دینی
۱۶۳	مقدمه
۱۶۳	۱. فناوری نرم و سخت
۱۶۵	۲. مدیریت و فناوری نرم
۱۶۶	۳. اعتباریات و فناوری نرم
۱۶۷	۴. «مدیریت» معقول اولی یا ثانی
۱۶۸	۵. منشأ ادراکات اعتباری
۱۷۰	۶. پیامد کاربردی نگرش «اعتباری» به «مدیریت»
۱۷۲	خلاصه مبحث
۱۷۳	پرسش‌ها
۱۷۴	بحث و پژوهش
۱۷۴	منابع برای بحث و پژوهش
۱۷۵	مبحث دوم: ابزارهای معرفتی در مدیریت اسلامی
۱۷۵	مقدمه
۱۷۶	۱. به‌کارگیری فرآورده‌های تجربی و عقلی در مدیریت اسلامی
۱۷۸	۲. به‌کارگیری فرآورده‌های قلبی (نقل) در مدیریت اسلامی
۱۷۹	۳. تعارض میان یافته‌های سه‌گانه
۱۷۹	۴. پیش‌فرض‌های تعارض
۱۸۱	۵. راه‌حل تعارض
۱۸۳	خلاصه مبحث

۱۸۴	پرسش‌ها
۱۸۴	بحث و پژوهش
۱۸۴	منابع برای بحث و پژوهش
۱۸۵	منابع و مأخذ
۱۹۱	نمایه واژگان

پیشگفتار

دانش مدیریت به عنوان یکی از رشته‌های علمی در مجامع دانشگاهی شناخته شده است. تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های صنعتی دو قرن اخیر سبب بازنگری در مقوله مدیریت با رویکرد علمی شد. این رویکرد از آغاز پیدایش تاکنون با تحولات شگرفی همراه بوده است. نخست آنچه برای عالمان مدیریت اهمیت داشت، افزایش هرچه بیشتر کارایی سازمان به معنای بهره‌وری حداکثری از منابع و امکانات بود و آنچه از یاد رفت، انسان بود و انگیزه‌ها، نیازها، عواطف و منزلت او به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عامل فرایند فعالیت‌های سازمانی؛ اما الزام‌های اجتماعی و توسعه دانش روان‌شناسی این ازدیادرفتگی را چندان به تأخیر نینداخت و با طرح انواع نظریه‌های روابط انسانی و رفتار سازمانی، دانشوران حوزه مدیریت کوشیدند این نقیصه را جبران کنند. توجه کردن به انسان، بدون ملاحظات فرهنگی، تاریخی، ارزشی و نیازهای مادی و معنوی او ممکن نیست. از این‌رو، نمی‌توان دانش مدیریت را دانش صرفاً تجربی و به دور از دخالت اخلاق، معنویت و ارزش‌ها تلقی کرد. از سوی دیگر، درک و فهم دقیق نظریه‌های مدیریت نیز بدون بررسی بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن نظریه‌ها که در شکل‌گیری آنها نقش داشته‌اند، میسر نیست. بررسی این زمینه‌ها ما را به لایه‌های عمیق‌تری در بازشناسی نظریه‌های مدیریت رهنمون می‌سازد به گونه‌ای که می‌توان جهت و معنای سطوح زیرین بسیاری از گزاره‌های این نظریه‌ها را شناخت.

این کتاب با بررسی معرفت‌شناسی علوم تجربی به‌طور عام و علم مدیریت به‌طور خاص، جایگاه این علوم را در میان معارف بشری بازشناسی شده است و سپس به تبیین معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی به عنوان پیش‌فرض مهم برای ورود به دانش مدیریت اسلامی پرداخته و آبشخورهای معرفتی‌ای را که این دانش از آن تغذیه می‌کند، شناسانده شده است.

تا هم توجیهی معقول برای چنین دانشی فراهم آید و هم مبادی و لوازم منطقی برای ورود به این دانش شناسایی گردد.

برای آگاهی کامل از محتوای این کتاب، لازم است خواننده با سیر تئوری‌های مدیریت و همچنین کلیات مباحث و اصطلاحات فلسفی آشنا باشد و پس از مطالعه دقیق این اثر، انتظار این است که خواننده مهارت تحلیل زمینه‌های فلسفی یک تئوری را پیدا کرده و از پشت عینک مبانی فلسفی، تئوری‌های سازمان و مدیریت را نظاره کند.

در تهیه این کتاب، با عنایت خدای سبحان، با فرهیختگانی همراه شدم که هر کدام با درایت خود چراغ راهنمای من در این پژوهش شدند؛ استاد بزرگوار جناب آقای دکتر عابدی جعفری، که پیش از هر چیز تواضع را به من آموختند و در کنار آن نکاتی بدیع در فن پژوهش و موضوع کتاب ارائه دادند. همچنین استاد فرزانه حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی که با دقت‌ها و نکته‌سنجی‌های علمی خود، خطاها را گوشزد کردند و مشوق بنده در طول دوره تحقیق بودند و هم از ایشان باید تشکر مضاعفی کرد که به عنوان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همت و تلاش بلند خود، چنین بستر مناسبی را فراهم آوردند تا جویندگان علم و پژوهش با امکانات مناسب‌تری به تحصیل علم و تحقیقات سودمند بپردازند.

مقدمه استاد عابدی جعفری

مدیریت به عنوان «عمل مدیریتی»، همزاد با زندگی اجتماعی بشر بوده و به مثابه یک رشته علمی، یک سده بیشتر از پدیدایی آن نمی‌گذرد، اما در همین دوره کوتاه خود به عنوان یک علم، درخششی چشمگیر داشته و رازگشای بسیاری از رموز پیچیده حیات سازمانی انسان‌ها و تضمین تحقق اهداف آن بوده است.

امروزه در همه کشورهای جهان، «غفلت مدیریتی»، گناهی نابخشودنی تلقی می‌شود، چرا که چنین غفلتی برابر با چشم‌پوشی از رسیدن به اهداف آن جامعه است. در یک کلام، مدیریت، «فناوری تضمین تحقق اهداف جامعه» است؛ جامعه‌ای سازمانی که هدف‌های آن در قالب اهداف‌های سازمان‌ها تعریف و تجلی پیدا کرده است.

با تغییرات شگرف در یک سده اخیر زندگی بشر، مدیریت نیز همراه و همسفر بوده است. این‌گونه نیست که این پدیده بدیع در طول پدیدایی کوتاه خود، ثابت و بی‌تغییر باقی مانده باشد، بلکه به‌عکس، شاهد دگرگونی‌های ژرفی همراه با تحولات شگرف قرن بوده است. از مدیریت بر دیگران گرفته تا مدیریت با دیگران و تا خودمدیریتی؛ از تفکیک‌گریزناپذیر ارزش از دانش گرفته تا ظهور و غلبه اخلاق و ارزش و فرهنگ به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مدیریت؛ از مدیریت به عنوان اطلاعات گرفته تا مدیریت به عنوان حکمت؛ از قوانین و قواعد جهان‌شمول حاکم بر این علم گرفته تا شیوه‌های اقتضایی مدیریت؛ همه رویکردها و تجلیات یک علم واحد به نام «مدیریت» هستند. بگذریم که در عرض نیز گسترشی حیرت‌انگیز داشته است. از حوزه مدیریت مواد گرفته تا انبار و لجستیک و مدیریت صنعتی؛ از مدیریت منابع انسانی گرفته تا رفتار و سرمایه‌های انسانی؛ از مدیریت مالی و دولتی و شهری گرفته تا مدیریت رسانه و ...

همراه تحولات این علم، پرسش و دغدغه‌ای که ذهن محققان ژرف‌اندیش این حوزه را به خود مشغول داشته، همانا چرایی این تحول و دگرگونی است؛ چرا که تبیین این گونه‌گونی‌ها، فهم روند علم مدیریت را میسر می‌سازد و طبعاً پیش‌بینی آینده تحولات آن را. به دیگر سخن، اِشراف برون‌علمی و نه درون‌علمی به محقق عطا می‌کند. تحلیل‌های مرسوم در این وادی، به‌طور عمده ریشه این تحولات را به تغییرات محیط نسبت داده و می‌دهند، ولی تبیین‌های عمیق‌تر، خاستگاه این تطورات را در عمق اندیشه اندیشه‌ورزان جستجو می‌کنند، آنجا که علم، خود به عنوان یک محصول و فرآورده کارگاه اندیشه تلقی می‌شود و به لایه‌های عمیق‌تر فلسفی آن پیوند می‌خورد: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی و... این شیوه برخورد در خود مدیریت نیز، پدیده‌ای دیرین نیست، بلکه محصول سال‌های نه‌چندان دور است.

حقیقت این است که شناخت مدیریت، بی‌آنکه به ریشه‌ها و دستگاه اندیشگی آن پرداخته شود، شناختی غیر عمیق و شناختی مصرف‌گرایانه است. شناخت مولد که بتواند در تولید علم مدیریت سهم و نقشی ایفا کند، مستلزم نگاهی اندیشه‌ورزانه و فلسفی است. «فلسفه علم مدیریت» است که قدرت شناخت، نقد و تولید علم به اندیشمند عطا می‌کند و او را در این فرایند اندیشه‌ورزی وارد، سهم و دخیل می‌کند. افزون بر آن، امکان بومی‌سازی یک اندیشه و برتر از آن، تولید علم بر بنیان اندیشه و فلسفه خودی را ممکن می‌سازد.

در ایران، سال‌ها است که میان اندیشه فلسفی خودی و علم، شکافی عمیق ایجاد شده است. قهرمانانی که بتوانند از این شکاف عبور کرده بر بنیان فلسفه اصیل اسلامی، در قلمرو علم، نظریه‌پردازی کنند، کم پیدا شده‌اند؛ و آنها که بتوانند این شکاف را درمان کرده و میان اندیشه فلسفی اصیل این دیار و محصول طبیعی آن، یعنی علم، پیوند برقرار سازند، بسیار نادرند. روزی که این شکاف پر شود، روند فراوانی و تولید انبوه علم و نظریه‌پردازی خواهد بود. اینکه چرا در حوزه‌های گوناگون علم و به‌ویژه علوم انسانی، این همه فقر نظریه‌پردازی و طبعاً مصرف‌زدگی نظریه‌های دیگران وجود دارد، در همین نکته نهفته است. شاید نقطه عزیمت نهضت و انقلابی به نام نهضت نرم‌افزاری نیز از همین نقطه باشد. به دشواری بتوان علم نشأت‌گرفته از فلسفه‌ای دیگر را در جامعه‌ای با بنیان‌های فلسفی دیگر سوار کرد و انتظار بهره‌وری و شکوفایی علم و نتیجه آن در عمل را داشت.

باید به دنبال علم مبتنی بر حکمت متعالی و صدرایی یا دیگر فلسفه‌های ریشه‌دار در این مرز و بوم بود. در این صورت می‌توان انتظار داشت نه یک کارگاه، که کارخانه‌های تولید علم در جای‌جای این سرزمین پی‌ریزی شوند.

این اندیشه، به‌هیچ‌روی، نفی ارزش ذاتی علم مدیریت و انکار مفید بودن و استفاده از دستاوردهای علم مدیریت در کشور ما نیست، بلکه سخن از محدودیت امکان استفاده و در حد مصرف‌کننده صرفاً باقی ماندن است.

محقق ارجمند، جناب آقای ابوالفضل گائینی، خود به عنوان محصول مشترکی از حوزه و دانشگاه، با نگاهی ژرف و اندیشه‌ورز، قدم در چنین وادی خجسته‌ای گذاشته و از میان لایه‌های زیرین اندیشه فلسفی علم مدیریت، به «معرفت‌شناسی» آن پرداخته است. بدیهی است که دیگر لایه‌های بسیار مهم، چون هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی و... می‌ماند تا ایشان و دیگر اندیشه‌ورزان حوزوی و دانشگاهی در آن وارد شده و تأملات لازم انجام دهند. اما همین قدم فرخنده خود گویای گشایش راه‌های تازه و توانمندی‌های جدید در این مسیر است. محقق گرانمایه با دیدی نقادانه — که ذاتی ورود به چنین تحقیقاتی است — با نقد آثار موجود در کشور و با استناد به تلاش‌های علمی‌ای که در غرب صورت گرفته، زمینه را برای پر کردن شکاف میان فلسفه و علم در علم مدیریت، آن هم از نوع اسلامی آن — هرچند اندک — فراهم آورده است. این از جمله همان گام‌های نادر است که در بالا بدان اشاره رفت. خواندن این اثر ارزشمند را هم به دانشگاهیان مشتاق، به‌ویژه دانشجویان دوره‌های دکتری و ارشد مدیریت و نیز عزیزان حوزوی برای دیدن یک الگوی علمی قابل قبول، توصیه می‌کنم. بدیهی است این گام اول خود نیازمند نقدهای وزین استادان محترم حوزه و دانشگاه است تا این مسیر هرچه هموارتر گردد.

۱۳۸۹/۹/۳۰

حسن عابدی جعفری

فصل اول

کلیات

■ اهداف آموزشی فصل اول

■ **هدف کلی:** آشنایی با برخی مفاهیم و نظریات مقدماتی معرفت‌شناسی و تئوری‌های

مدیریت

براساس هدف کلی این فصل، انتظار از خواننده آن است که پس از مطالعه به اهداف

ذیل دست یابد:

۱. مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی را بشناسد؛

۲. با نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی آشنا شود؛

۳. نظریه‌های صدق را بداند؛

۴. مفهوم و ماهیت مدیریت و مدیریت اسلامی را دریابد.

مقدمه

دانش فلسفه به جهان‌شناسی می‌پردازد و به واسطه عمومیت فلسفه نسبت به دیگر علوم، اندیشه‌های فلسفی زیربنای همه اندیشه‌های دیگرند. برای شناخت تفاوت جوهری نظریات مدیریت و سازمان، باید اندیشه‌های فلسفی را شناخت و ابتدای نظریه‌های مدیریت بر آنان را درک کرد. این فصل که برای بیان کلیات آماده شده، از چهار مبحث: «مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی»، «نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی»، «نظریه‌های صدق» و «مدیریت اسلامی» تشکیل شده است.

مبحث اول: مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی

- هدف کلی: درک مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی
- اهداف آموزشی مبحث اول

براساس هدف مرحله‌ای این مبحث، انتظار از خواننده آن است که پس از مطالعه این مبحث بتواند:

۱. تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را درک کند؛
۲. چرایی طرح مفروضات پیشینی مدیریت اسلامی را بداند؛
۳. حوزه‌های مختلف پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی را بشناسد؛
۴. با مفاهیم پیش‌فرض و معرفت‌شناسی آشنا شود.

مقدمه

اگر مدیریت اسلامی را مجموعه قضایایی که در مورد موضوعات خاص و از روش خاص بحث می‌کنند بدانیم، به‌طور منطقی، این قضایا بدون مبادی و مبانی نظری قابل حصول نیستند. مبادی و مبانی، شکل‌دهنده، جهت‌دهنده‌اند و در روش نیز بر این قضایا (گزاره‌ها) تأثیرگذارند. اشتقاق گزاره‌ها یا قضایا از این مبانی نیز، قهری، طبیعی و منطقی است و منظور از «پیش‌فرض‌های اساسی در مدیریت اسلامی»، این‌گونه مبانی است. این مبانی، اگرچه به‌طور مستقیم بیانگر و ناظر بر موضوعات و مسائل مدیریتی نیست، اما آنچه از آن با عنوان «گزاره‌های مدیریتی» یاد می‌شود، به‌گونه‌ای منطقی برگرفته از آنها است و جدای از آنها قابل حصول و نتیجه‌گیری نیست. بنابراین، پیش‌فرض‌ها، بناهای نظری و زیرین مجموعه گزاره‌های مدیریت اسلامی هستند که گزاره‌ها علاوه بر ربط منطقی با آنها، در پیوند با یکدیگر از آنها بهره می‌جویند. به‌دیگر سخن، این مبانی هم گزاره‌ها را شکل می‌دهند و هم انسجام می‌بخشند. همچنین باید به نقش آنان در روش تحقیق و به دست آوردن گزاره‌های مدیریت اسلامی اشاره کرد. مبانی نظری چنان است که اجازه استفاده از هر ابزاری را برای کشف و داوری در مورد صدق گزاره‌ها نمی‌دهد و خود جداگانه معرفت برخی ابزار صلاحیت‌دار معرفتی و منطقی برای کشف و داوری است.

تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را می‌توان در سه دسته چنین خلاصه کرد:

الف) در شکل‌دهی گزاره‌های مدیریتی؛

ب) در برقراری یک هندسه معرفتی گزاره‌ها، که نشان‌دهنده پیوند و سازگاری آنها با

یکدیگر است؛

ج) در ارائه ابزار و روش تحقیق معتبر و مناسب در گردآوری و نقد گزاره‌ها. به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌هایی که در تحقق این سه دسته نقش اساسی دارند، عبارت‌اند از:

۱. معرفت‌شناسی؛^۱ ۲. هستی‌شناسی؛^۲ ۳. انسان‌شناسی.^۳

معرفت‌شناسی، به بیان ماهیت معرفت،^۴ منابع معرفت^۵ و حدود و مرزهای معرفت^۶ می‌پردازد؛ در هستی‌شناسی به بیان سطوح مختلف هستی پرداخته می‌شود و اثبات می‌شود که هستی می‌تواند چند لایه و سطح داشته باشد و نتایج آن بر پیدایش و انتظام گزاره‌های مدیریت اسلامی تأثیر می‌گذارد. در انسان‌شناسی نیز به ساحت‌های وجودی انسان پرداخته می‌شود. کسب هر نتیجه‌ای در بررسی و اثبات این ساحت‌ها، تأثیری در بروز و ظهور گزاره‌های مدیریتی دارد؛ خصوصاً که محور اساسی و مهم دانش مدیریت، «انسان» است و در واقع، انسان شاه‌کلید بحث‌های علوم انسانی است. مدیریت با تأثیرپذیری از دیگر رشته‌های علوم انسانی، نتایج شناختی آنها را در مورد انسان به کار می‌بندد و از ثمرات آن در بحث‌های مختلف مدیریت سود می‌جوید. از مجموع آنچه در معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاصل می‌آید، می‌توان هندسه‌ای از گزاره‌های معرفتی در مورد مدیریت در نظر آورد که علاوه بر کاربرد عینی و بیرونی، در درون خود نیز از تعامل و هماهنگی برخوردار است.

۱. چرایی نگارش این کتاب

هدف از انتخاب این موضوع، تلاش برای دست یافتن به لوازم نظری، منطقی و معرفت‌شناسانه گزاره‌هایی است که با عنوان مدیریت اسلامی می‌آیند. این گزاره‌ها اگرچه برگرفته از منابع اسلامی هستند، اما ذهن گردآورندگان و تدوین‌کنندگان آنها، نمی‌تواند خالی از پیش‌زمینه‌های فکری و فلسفی درباره منابع معرفت و سطوح هستی و ساحت‌های انسانی باشد. محقق مدیریت اسلامی، با این فرض به جستجو در منابع نقلی اسلام برای یافتن گزاره‌های دینی می‌پردازد که یکی از منابع معرفت، می‌تواند شهود و حیانی — که در قالب نقل تعبیدی برای متدینان شکل گرفته است — باشد و این باور، باور دیگری را در خود دارد که اعتقاد به لایه و سطحی بالاتر از سطح مادی هستی است؛ یعنی سطحی که بتواند موطن اشیای

1. epistemology

2. ontology

3. human knowledge

4. nature of knowledge

5. sources of knowledge

6. limits of knowledge

مجردی چون وحی یا الهام قرار گیرد. این مجردات، اگرچه در قالب الفاظ به صورت زمینی و مادی درمی‌آیند، اما این وجودی تنزیلی از آنها است و وجود واقعی آنها، در موطنی هم‌سنخ با خود آنها و عاری از لوابس مادی قرار دارد. سرانجام این منبع معرفت‌زا و این سطح از سطوح هستی، انسانی را می‌طلبد که مرز ماده و مادیت را درنوردد و به دایره مجردات راه یابد، تا بتواند معارفی را درک کند که در حس و شهودات حسی نمی‌گنجد. هستی حقیقی چنین انسانی، ناگزیر، از روح مجردی شکل یافته که توان این عروج و صعود و تلقی را دارد.

بحث از امکان علم دینی، امروزه از چالش‌انگیزترین مباحث مجامع علمی حوزوی و دانشگاهی است. این بحث معمولاً در قالب پروژه‌های تحقیقی، همایش‌ها، کتاب‌ها و... چهره می‌نماید.

این چالش، بر شاخه‌های زیرین علم نیز اثر گذاشته و مدیریت، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های علوم انسانی مورد بحث، طرف دعوی دو گروه قائلان و منکران امکان علم دینی واقع شده است. برخی مدیریت را یک فن و تکنیک می‌دانند و از این لحاظ آن را با جنبه فقهی دین که صرفاً دربردارنده احکام است، متباین می‌شمرند (سروش، ۱۳۷۳، ص ۵۷) و برخی دیگر، به عکس، به دلیل کاربردی بودن این علم، آن را برای تأثیرپذیری از جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی سزاوارتر می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۲۳) و تعبیر مدیریت اسلامی را بجا و معنی‌دار تلقی می‌کنند.

کتاب حاضر در پی تثبیت یا رد ادعای هیچ‌کدام از طرفین دعوا نیست، بلکه در پی آن است که نشان دهد وقتی شخص یا اشخاصی به امکان دستیابی به مدیریت اسلامی معتقدند، باید در آغاز به چه مفروضاتی ملتزم باشند، تا بتوانند به مدیریت اسلامی راه یابند. طرح این مفروضات پیشینی، چنین مزایایی دارد:

۱. آشکار شدن جایگاه مدیریت اسلامی در میان دیگر مقوله‌های معرفتی؛ با پیش کشیدن پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی، بسیاری از گزاره‌هایی که در آن مطرح می‌شود، ارزش شناختی خود را بازیافته و به عنوان بخشی از اجزای مدیریت وارد ساختار این دانش می‌شود. اگر از تأثیر عوامل معنوی، یا غیبی در توفیق یا عدم توفیق برخی سازمان‌ها در رسیدن به اهدافشان بحث شود، بدون فهم مبادی معرفتی، بی‌معنا خواهد بود؛ به‌ویژه در تقابل با علم مدیریت، که سعی در قدسی‌زدایی از آن شده است. برای کسانی که از دانش‌آموختگان این علم هستند، دخیل دانستن این‌گونه عوامل معنوی در مدیریت، بدون فهم پشتوانه فکری و فلسفی آن قابل

فهم نیست. بنابراین، لازم است برای تبیین جایگاه شناختی این‌گونه مقولات فرامادی، به مبادی نظری و فلسفی آنها پرداخته شود.

۲. فایده دیگر طرح این مفروضات، به تأویل بردن تعارض احتمالی برخی گزاره‌های مدیریت اسلامی با علم مدیریت، به مبانی فکری و نظری این دو نگرش است. با توجه به برخورداری هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» از پیش‌فرض‌های معرفتی احیاناً متفاوت با یکدیگر، پیش‌بینی بروز برخی اختلافات در شاخه‌های برآمده از این تفاوت‌ها، منطقی است. تنازع در این شاخه‌ها، بدون درک آن مبانی، فرسایش فکری بی‌حاصلی را به دنبال دارد؛ اما اگر منشأ این منازعات شناخته شود، هم در انتقال مفاهیم و هم در دفع احتمالی منازعات مؤثر خواهد بود.

۳. تأثیر پیش‌فرض‌ها تنها در تبیین دقیق‌تر اختلاف‌ها و تنازع‌ها نیست؛ چه‌بسا گزاره‌هایی در هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» یافت شوند که به‌ظاهر مؤید یکدیگر باشند، اما در اساس، اختلاف برداشت از آنان کم نباشد. برای مثال، اهتمام و عنایت به عنصر انسانی در برخی از نگرش‌های مدیریتی، مانند رفتار سازمانی، وجود دارد و همین عنایت در مدیریت اسلامی نیز به چشم می‌خورد. ظاهراً این مسئله از هر دو سو مورد تأیید است، اما اگر نوع برداشت هر دو دیدگاه عمیق‌تر بررسی شود، مشخص می‌گردد که در نگرش مدیریت اسلامی، انسانی تکریم می‌شود که ربطی وجودی و حقیقی با خدا دارد و چون همه چیز در ظل ربوبیت «الله» نگریسته می‌شود، انگیزه‌ها، پاداش‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، کنترل‌ها و... نیز در این سمت‌وسو فهم می‌شود؛ اما انسانی مورد تکریم دیدگاه‌های علم مدیریت انسانی است که از عالم قدس بریده و در نیازهای مادی محصور است. بنابراین هدایت، انگیزش و تصمیم‌گیری برای او نیز در همین جهت معنا می‌یابد؛ گو اینکه ممکن است گاه به عناصر ارزشی مانند عدالت، رفع تبعیض و... نیز در این دیدگاه پرداخته شود که آن هم نه به دلیل تکریم هویت ارتباطی او با خدا، بلکه به جهت بالا بردن اثربخشی افراد در تلاش برای رسیدن به اهداف مادی است. این دو دیدگاه ممکن است در برخی از مصادیق، مساوی یکدیگر درآیند، اما بی‌ثباتی این تساوی، در صحنه تراحم آشکار می‌گردد؛ دیدگاهی که وجود انسانی را شأنی از شؤن حق تعالی و مظهر اسمای الهی می‌بیند، هنگام تراحم کاربرد مقوله‌های ارزشی مانند عدالت از یک‌سو و تأمین منافع مادی از سوی دیگر، تکریم انسانی را اصل قرار داده و در تأمین منافع مادی به نفع عدالت، تعدیل ایجاد می‌کند؛ اما در دیدگاه دیگر و در هنگام بروز تراحم، دست‌کم، انگیزه‌ای

برای اعراض از منافع مادی به سود اِعمال مقوله‌های ارزشی مانند عدالت وجود ندارد. فهم چنین پیش‌فرض‌هایی، محقق را در برداشت عجولانه و سطحی از تأیید ظاهری برخی گزاره‌های دینی با گزاره‌های مطرح در علم مدیریت بازمی‌دارد. البته می‌توان فروعی دیگر نیز بر اثرات شناخت پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی مطرح کرد که از آن چشم می‌پوشیم.

۲. بحث اصلی این کتاب

این کتاب فرض را بر آن می‌گذارد که مجموعه گزاره‌هایی که با عنوان مدیریت اسلامی مطرح می‌شوند، مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی هستند که می‌توانند در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح شوند که هر کدام از آن حوزه‌ها، البته در ارتباط با حوزه دیگر، مبنایی نظری برای تئوری مدیریت اسلامی می‌شود. این پیش‌فرض‌ها در قالب سه سؤال قابل طرح‌اند:

۱. مدیریت اسلامی بر کدام بنیان‌های معرفت‌شناسی بنا نهاده شده است؟
۲. چه نوع شناختی از هستی ایجاد می‌کند که به چنان گزاره‌هایی از مدیریت اسلامی دست پیدا کنیم؟
۳. مجموعه گزاره‌های مدیریت اسلامی، محقق را ملزم به چه نوع شناخت پیشینی‌ای از انسان می‌کند؟

با توجه به محدودیت علمی و زمانی سعی می‌شود تنها به سؤال اول از این سه سؤال پاسخ داده شود و دو سؤال دیگر، در حد زمینه‌ای برای تحقیقات بعدی باقی بماند که در فصل نتیجه‌گیری، پیشنهاد لازم در مورد آنها ارائه خواهد شد.

بحث از پیش‌فرض‌های اساسی مدیریت اسلامی به نوعی به بحث معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی بازمی‌گردد و از نوع معارف درجه دوم پسینی محسوب می‌شود (معارف درجه دوم معارفی هستند که موضوع آنها خود معرفت است و پس از حصول معرفت برای بررسی آن شکل می‌گیرند). لذا محقق در چنین بحثی، با درک صحیح از مدیریت اسلامی، به لوازم منطقی آن می‌اندیشد و از اینجا است که بسیاری از لوازم منطقی در قالب منبع معرفت، روش معرفت و نوع نگاه به هستی و انسان، از اصل بحث به دست می‌آید.

جستجو در لوازم منطقی، جز از طریق روش عقلی حاصل‌شدنی نیست. اگرچه به برخی از این لوازم، در کتاب و سنت نیز پرداخته شده، اما در زمینه معرفت‌شناسی مدیریت، فقط قابل

استشهادند، نه استدلال؛ زیرا گام زدن در مباحثی مانند اعتبار منابع معرفت و شناسایی لایه‌های هستی از مادی تا مجرد و نیز فهم ساحت‌های جسمانی و روحانی انسان، از مبادی معرفتی است که پیش از ورود به ساحت دین اثبات می‌شود. البته اشارات دینی، برای اثبات عقلانی و شهود عرفانی چنین مسائلی الهام‌بخش حکیمان و عارفان بوده است؛ اما اصل این امور به عنوان معارف پیشینی، باید پیش از دین اثبات شوند؛ البته مصادیق جزئی آن در برخی مواقع قابل دسترسی عقل نیست که دین به معرفی آن می‌پردازد. بنابراین، هم اصل اشتقاق‌گیری از مدیریت اسلامی و هم آنچه مشتق شده است، ماهیت عقلانی دارد و جز از طریق و روش عقلی به دست نمی‌آید. البته در این کتاب، در برخی موارد از نقل نیز برای استشهاد و تأیید مطالب استفاده شده است. بنابراین، روش تحقیق در این کتاب، روش عقلی است که با روش نقلی، یعنی استفاده از کتاب (قرآن) و سنت همراه شده است. پی بردن به ملزومات معرفتی مجموعه گزاره‌هایی که ذیل نام مدیریت اسلامی جمع‌اند، از راه استدلال عقلی منطقی و با الهام از اصول و مبانی برگرفته از نقل، امکان‌پذیر است و از آنجا که این ملزومات به گونه‌ای اثبات شده در کتاب‌های فلسفی بیان شده‌اند و نیز در منابع نقلی دین (وحی و سنت) به آنها پرداخته شده، در اینجا با مراجعه به برخی کتاب‌های مرجع و بازگو کردن استدلال‌های عقلی و فلسفی و نیز بیان آیات و روایات، به ملزوماتی می‌پردازیم که می‌تواند متکای معرفتی مناسبی برای موضوع مدیریت اسلامی باشد.

۳. مفاهیم کلیدی

۳-۱. پیش‌فرض^۱

پیش‌فرض، یعنی «آنچه در ابتدای تحقیق، اقامه برهان یا بحثی، به عنوان پذیرفته‌شده قبول می‌گردد (لاداند، ۱۳۷۷، ص ۶۱۵). نگرش به هستی، انسان و دیگر تمایلات متافیزیکی، از جمله پیش‌فرض‌هایی است که پیش از ورود به هر تحقیقی، به موضوعات و مسائل مورد تحقیق تعین می‌بخشند.

به کارگیری عنوان «پیش‌فرض» بر این‌گونه نگرش‌ها و تمایلات را، به دلیل تلقی اثبات‌ناپذیر بودن آن نگرش‌ها و تمایلات دانسته‌اند. این نوع تلقی از مباحث متافیزیکی، ناشی

1. presupposition

از تشکیک‌هایی است که در فلسفه مغرب‌زمین بر آن رواداشتند. اما از آنجا که این‌گونه مباحث در میان متفکران و فیلسوفان اسلامی از جایگاهی عقلی برخوردار است، به کار بردن عنوان «پیش‌فرض» بر چنین مباحثی، با قدری تسامح همراه است. انگیزه هم‌نوایی در گفتگو و مفاهمه، ما را بر آن داشت تا آنجا که امکان‌پذیر است از اصطلاحاتی استفاده کنیم که ظرف مناسبی برای ایجاد این برقراری ارتباط باشد. بنابراین، از دیدگاه شخص و یا اشخاصی که در صدد تدوین نظام مدیریت اسلامی هستند، مباحثی از مباحث متافیزیکی، اثبات‌پذیر بوده و باور آنها، عقلانی است. در فرهنگ فکری ما، به جای پیش‌فرض اصطلاح «اصل موضوعی»^۱ در مورد بخشی از مباحث متافیزیکی به کار می‌رود و بیان‌کننده این معنا است که این‌گونه مباحث، در جای مناسب خود مطرح و اثبات شده‌اند و اکنون به عنوان اصل موضوعه ثابت شده، در علم دیگری (مثل مدیریت) به کار می‌روند.

۲-۳. معرفت‌شناسی یا تئوری معرفت^۲

معرفت‌شناسی، یکی از موضوعات مهم فلسفه معاصر است که ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول ساخته است. موضوعاتی که در آن به بحث گذاشته می‌شود، عبارت‌اند از: طبیعت معرفت، منابع معرفت و حدود معرفت (روتلیج، ۱۹۹۸، ص ۳۶۲). بنابراین، می‌توان معرفت‌شناسی را این‌گونه تعریف کرد: «علمی که درباره ماهیت معرفت‌های انسانی و کیفیت ارزیابی آن و امکان یا عدم امکان توجیه‌پذیری آن گفتگو می‌نماید» (ادوارد، ۱۹۶۷).

اما معرفت چیست و چه تعریفی برای آن ارائه شده است؟ تعریف شایعی که از این اصطلاح به عمل آمده عبارت است از: «باور صادق موجه».^۳ این تعریف به‌رغم اشکالاتی که به فقدان احراز شرایط جامعیت و مانعیت آن از سوی گتیه در سال ۱۹۶۳ م، شده (گتیه، ۱۹۶۳، ص ۱۲۱-۱۲۳) همچنان به عنوان تعریفی نسبتاً مطلوب از سوی معرفت‌شناسان پذیرفته شده است. همان‌گونه که بیان شد، این تعریف سه جزء اساسی دارد که ترکیب این اجزا سبب شکل‌گیری معرفت می‌شود؛ نخست جزء «باور»^۴ دلالت بر این دارد که فاعل شناسا زمانی می‌تواند ادعای معرفت به گزاره الف را داشته باشد که به آن باور داشته باشد؛ یعنی دارای

1. postulation

2. theory of knowledge

3. true justified belief

4. belief

حالتی اطمینان‌بخش به لحاظ روان‌شناختی باشد یا نوعی وضعیت روان‌شناختی در باورنده است. دوم، جزء «صدق» نیز دربردارنده این نکته است که در زمانی شناسنده می‌تواند ادعای معرفت به گزاره «الف» داشته باشد که صادق باشد، ولی هیچ‌گاه باور کاذب نمی‌تواند معرفت تلقی گردد. و جزء سوم «توجیه»، بیان‌کننده این مطلب است که شناسنده چگونه به گزاره صادق «الف» باور پیدا کرده است (علی‌پور؛ شمس؛ موزر و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۲۸ و ۲۹). معرفت وقتی شکل می‌گیرد که شخص گزاره صادقی را براساس شواهد و مدارک کافی و قانع‌کننده باور کند، و الاً اگر کسی گزاره صادقی را نه براساس دلایل و شواهد کافی، بلکه مثلاً براساس «حدس صائب»^۱ بپذیرد، آنگاه نمی‌توان گفت که این شخص دارای معرفت است، بلکه تنها دارای اعتقادی صحیح است.

درواقع، جزء «توجیه» عبارت است از در دست داشتن شواهد و دلایل قانع‌کننده بر صادق بودن گزاره‌ای مانند «الف». اصطلاح «توجیه» کاربردهای مختلفی دارد، مقصود از این توجیه «توجیه معرفتی»^۲ است؛ توجیه معرفتی، یعنی اینکه شناسنده با به‌کارگیری دلایل و شواهدی بر اثبات صادق بودن گزاره «الف» اقدام به توجیه معرفت خود نسبت به آن گزاره می‌کند. از نظر آلستون توجیه، دست‌کم دارای چهار مشخصه است:

۱. توجیه، دارای موضوع و متعلق خاصی است و موضوع توجیه باور است؛
۲. توجیه، یک مفهوم ارزش‌یابانه است. از این‌رو، داشتن توجیه برای یک باور از ارزش مثبت برخوردار است؛
۳. هدف از توجیه باور این است که هرچه بیشتر باورهای صادق به دست آوریم و از شمار باورهای کاذب در مجموعه باورهایمان بکاهیم؛
۴. توجیه دارای مرتبه‌های گوناگونی است، یعنی بسته به نوع شواهد و دلایل بر صادق بودن باوری خاص، می‌توان مرتبه‌های مختلفی از توجیه را تصور کرد (علی‌پور و آلستون، ۱۹۸۹، ص ۸۳ و ۸۴).

به لحاظ منطقی نسبت میان باورهای صادق و باورهای موجه، نسبت عموم و خصوص من‌وجه است، نه نسبت تساوی. به سخن دیگر، هر باور موجهی لزوماً صادق نیست و هر باور صادقی هم می‌تواند موجه نباشد. یعنی، امکان خطا در همه گزاره‌های معرفتی، با فرض بودن

1. lucky guess

2. epistemic justification

توجیه، وجود دارد. این احتمال وجود دارد که یک گزاره‌ای دلایل و شواهد قانع‌کننده‌ای داشته و در نزد شناسنده موجه باشد، با این حال، در مقام ثبوت صادق نباشد و در یک کلام، صدق، شرط ضروری یک گزاره موجه نیست.

خلاصه مبحث

- مدیریت اسلامی به عنوان مجموعه‌ای از قضایا که درباره موضوعی خاص، با روشی خاص بحث می‌کند، بر پیش‌فرض‌هایی استوار است.
- این پیش‌فرض‌ها در سه دسته هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی قرار می‌گیرند.
- مزایای طرح مفروضات پیشینی مدیریت اسلامی عبارت است از: آشکار شدن جایگاه مدیریت اسلامی در میان دیگر مقوله‌های معرفتی، حل تعارض احتمالی میان برخی گزاره‌های مدیریت اسلامی با علم مدیریت، اعطای توانایی نگاه عمیق و پرهیز از نگاه سطحی به تأیید ظاهری گزاره‌های دینی و مدیریتی.
- گفتگو از پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی، بحثی درجه دو و پسینی محسوب می‌شود.
- پیش‌فرض، یعنی آنچه در ابتدای تحقیق، اقامه برهان یا بحثی، به عنوان پذیرفته‌شده، قبول می‌گردد.
- معرفت‌شناسی علمی است که درباره ماهیت معرفت‌های انسانی و کیفیت ارزیابی آن و امکان یا عدم امکان توجیه‌پذیری آن گفتگو می‌نماید.
- معرفت عبارت است از باور صادق موجه. «باور» یعنی اطمینان روانی به یک گزاره، «موجه» یعنی اطمینان پیداشده براساس شواهد و مدارک قانع‌کننده باشد.

پرسش‌ها

۱. تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را توضیح دهید.
۲. معرفت‌شناسی به چه مباحثی می‌پردازد؟
۳. اجزای یک معرفت را برشمرده و منظور از هر یک را شرح دهید.
۴. مشخصات یک توجیه از دیدگاه آلستون را توضیح دهید.